

تحلیل استقرارهای بخش چاه دادخدا شهرستان قلعه گنج، حوزه فرهنگی جازموریان

محمد مرتضایی^۱ و سلمان انجم روز^۲

چاه دادخدا یکی از دو بخش شهرستان کنونی قلعه گنج در جنوبی ترین نقطه استان کرمان است و مجاورت این استان با استان های هرمزگان و سیستان و بلوچستان. نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان شناختی شهرستان قلعه گنج در راستای تکمیل نقشه باستان شناسی کشور و با هدف روشن کردن وضعیت دوره بندی منطقه در ادوار گوناگون در بخش چاه دادخدا انجام شد. افزون بر اهداف یادشده، در پژوهش حاضر تلاش شد با تحلیل و تلفیق نتایج حاصل از این پژوهش، ارتباطات و برهم کنش های منطقه ای و فرامنطقه ای این منطقه را با نواحی مجاور مشخص کنیم.

طی بررسی ها چندین محوطه و اثر باستانی و تاریخی شناسایی و ثبت شد که به دوران پارینه سنگی (۳ مورد)، هزاره پنجم ق م. (۲ مورد)، هزاره چهارم ق م. (۱۰ مورد)، هزاره سوم ق م. (۲۷ مورد)، دوران تاریخی (۲۹ مورد)، دوران اسلامی (۳ مورد) و سده های اخیر (۲ مورد) تعلق دارند. در مقاله حاضر، با توجه به ریخت شناسی استقرارگاه ها، محوطه های شناسایی شده به هشت گونه تقسیم شده اند: محوطه های ترکیبی وسیع، گورستان های تاریخی، تپه های باستانی، محوطه های فلزگری، بناهای مذهبی، قلعه ها، سنگ نگاره ها و محوطه های باستانی با پراکندگی بسیار محدود مواد فرهنگی. محوطه های یادشده با توجه به نوع جغرافیای محل که عامل اصلی ریخت شناسی و روند شکل گیری آنهاست در دونا حیه قرار دارند: دشت و مناطق کوهپایه ای و کوهستانی.

با تحلیل نتایج اولیه بررسی و محدود بررسی های انجام شده در مناطق همجوار در پس کرانه های شمالی خلیج فارس، از محوطه های وسیع عصر مفرغ در کناره های رودهای فصلی محدوده بررسی می توان به مثابه پل ارتباطی بین حوزه فرهنگی جازموریان و سواحل شمالی خلیج فارس یاد کرد.

کلیدواژگان: چاه دادخدا، بررسی باستان شناختی، محوطه های باستانی، حوزه فرهنگی جازموریان.

A Settlement Pattern Analyses of the Chāh-e Dād Khodā County, Qaleh Ganj District, the Jāzmuriyān Cultural Zone

Mohammad Mortezaei and Salman Anjam-Rooz

Chāh-e Dād Khodā in one of the two counties in the Qaleh Ganj district in the southern end of the Kerman province at the juncture of the latter province with provinces of Hormozgan and Sistan and Baluchistan.

The first season of archaeological survey aimed at supplementing the Archaeological Atlas of Iran and documenting the periodization of the region was carried out in . In addition to the latter goals, the present research explored the questions of regional and interregional contacts and interactions with its surrounding regions.

During survey 3 paleolithic, 2 fifth millennium, 10 fourth millennium, 27 third millennium, 29 historical period, 3 Islamic period, and 2 recent sites were discovered and recorded. In the present paper , we have divided the sites into eight categories based on their morphology.

The Initial analyses of the survey results one can reach a number of conclusions, especially the role the large Bronze Age (Fourth and Third millennia BCE) sites played in serving as a bridge between the Jazmuriyan cultural zone and the Persian Gulf hinterlands.

Keywords: Chah-e Dād Khodā, archaeological survey, Jāzmuriyān cultural zone.

۱. دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
۲. کارشناس ارشد باستان شناسی
دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

رمشک به سرپرستی حمیده چوبک می رسد (چوبک ۱۳۸۳: ۱۶۵ تا ۱۶۵). این کاوش ها که در جریان پروژه باستان شناسی "تسلسل فرهنگی حوزه جازموریان" انجام شد، بخشی از کاوش های فراگیر در این حوزه از زمان شروع فعالیت های باستان شناختی در آن به شمار می روند. در واقع، برنامه ای که گزارش آن در مقاله حاضر آمده جدیدترین پژوهش باستان شناختی در منطقه قلعه گنج محسوب می شود و تا پیش از بررسی فعلی پژوهشی با اهداف باستان شناختی در این ناحیه صورت نگرفته بود.

قریب با اتفاق بخش زیادی از حوزه هلیل رود، از سرشاخه های آن تا بخش انتهایی این رود در کناره های حوضچه جازموریان، بررسی شده است. بررسی های باستان شناختی سرشاخه های هلیل رود (توفیقیان ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳ الف و ب؛ شهسواری و دوماری ۱۳۹۰)، دشت اسفندقه (علیدادی سلیمانی ۱۳۸۵)، حوزه ساردوتیه (علیدادی سلیمانی ۱۳۸۳؛ دانشی ۱۳۸۸)، بخش مرکزی جیرفت (آریان ۱۳۸۳)، دشت رودبار (دهقان ۱۳۸۲؛ دانشی ۱۳۹۱)، و همچنین بررسی باستان شناختی شهرستان کهنوج و فاریاب (ریاحیان، منتشر نشده) از این گونه تحقیقات به شمار می روند.

از این رو، در کنار پژوهش هایی که سابقاً انجام شده، بررسی بخش چاه دادخدا گامی مهم و اساسی در روشن ساختن وضعیت باستان شناختی حوزه هلیل رود و جازموریان است. پژوهش در شهرستان قلعه گنج تحت عنوان برنامه "نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان شناختی شهرستان قلعه گنج" با مجوز شماره ۹۵۳۱۴۱/۰۰/۴۹۳۰ پژوهشکده باستان شناسی در آبان ۱۳۹۵ انجام شد (مرتضایی و انجم روز ۱۳۹۶). گرچه بررسی انجام شده بیشتر در راستای تکمیل نقشه باستان شناسی استان و با هدف روشن ساختن پیشینه و وضعیت فرهنگی منطقه در ادوار گوناگون انجام شد. اما با توجه به موقعیت مهم این ناحیه مبنی بین دو حوزه مهم فرهنگی - جغرافیایی جنوب شرق ایران (سواحل مکران و حوزه هلیل رود)، نتایج بررسی انجام شده می تواند راهگشای بسیاری از مسائل مطرح در زمینه ارتباطات فرهنگی این دو حوزه شود. در مقاله حاضر نخست تلاش می شود تا بر اساس شاخصه های ریخت شناختی و کاربردی به گونه شناسی محوطه های شناسایی شده پرداخته و سپس با روش گاهنگاری نسبی به اطلاعاتی درباره پیشینه فرهنگی محدوده بررسی دست یابیم.

جغرافیا و زمین شناسی منطقه مورد پژوهش

شهرستان قلعه گنج در جنوب شرقی ایران در ۴۰۰ کیلومتری جنوب مرکز استان کرمان و ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شهرستان کهنوج قرار دارد. این شهرستان در طول جغرافیایی ۷۵ درجه و ۴۲ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۲۷ درجه و ۵۷ دقیقه واقع شده و حدود ۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. طول آن از شمال به جنوب ۲۰۰ کیلومتر و عرض آن حدود ۷۰ کیلومتر است. این شهرستان از شمال و شمال غربی به بخش های رودبار، از شرق به استان سیستان و بلوچستان، از غرب به شهرستان منوجان، و از جنوب به استان هرمزگان محدود می شود.

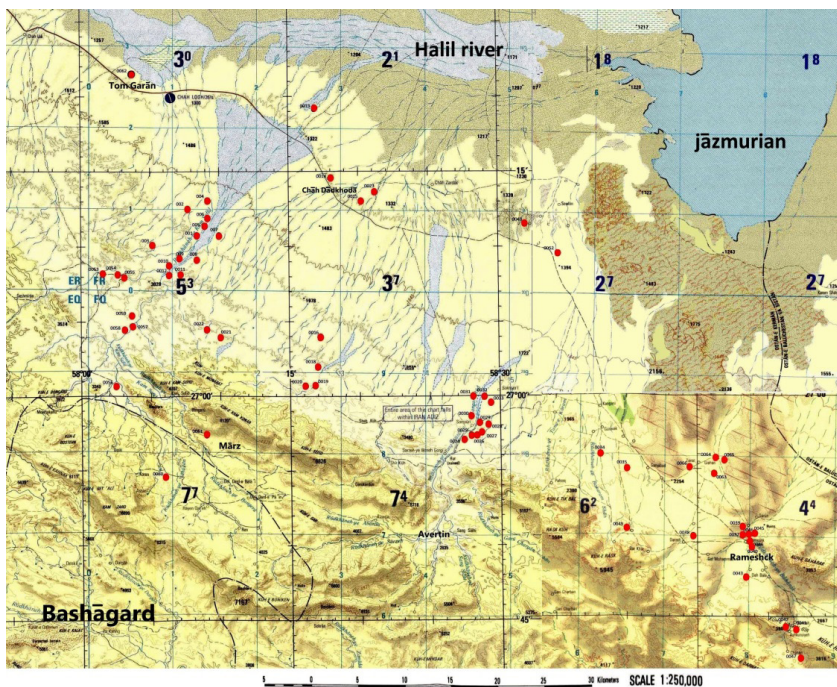


درآمد

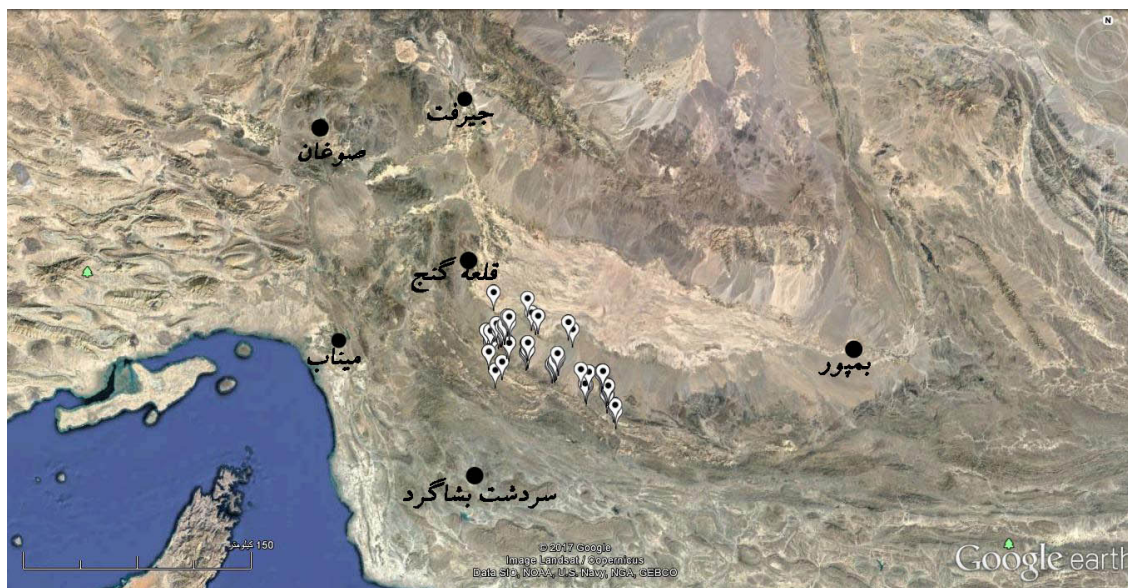
بخش چاه دادخدا محل تلاقی استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان و از لحاظ تقسیمات سیاسی کشور بخشی از شهرستان قلعه گنج است (شکل ۱).

پیشینه پژوهش های باستان شناختی در حوالی شهرستان قلعه گنج، مانند دشت رودبار، به بررسی های اورول اشتاین در دهه ۱۹۳۰ میلادی بر می گردد (Stein, 1937: 137-157). اما سابقه این گونه فعالیت ها در محدوده کنونی این شهرستان به اواخر سال های دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی، همزمان با کاوش ها در دهستان

شکل ۱. موقعیت منطقه مورد بررسی (بخش چاه دادخدا) در نقشه تقسیمات کشوری و استانی



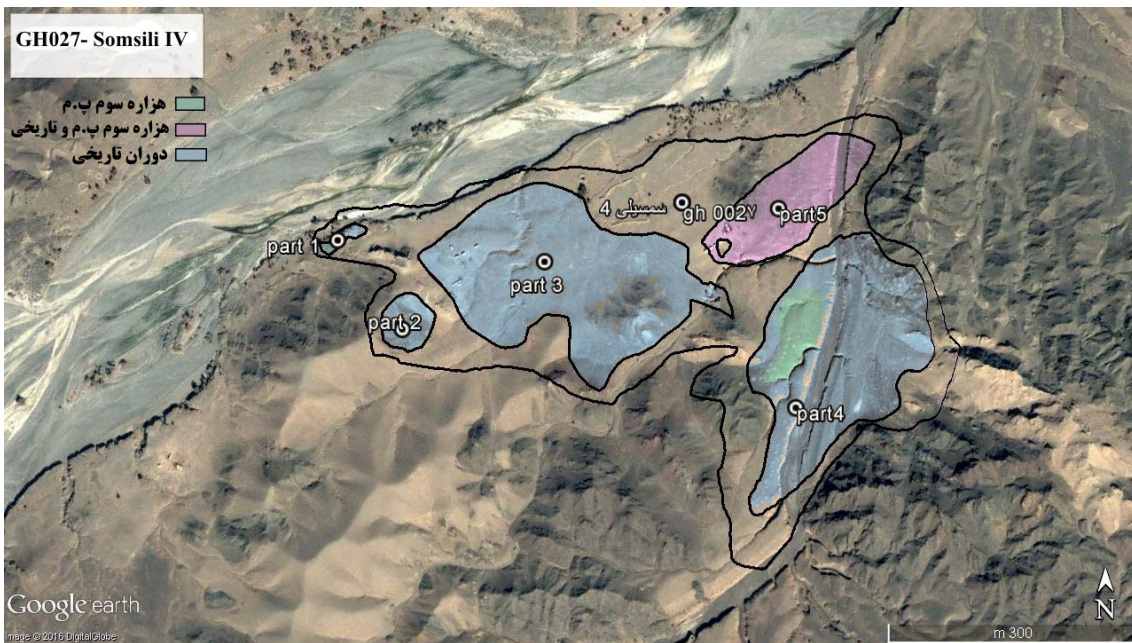
شکل ۲. موقعیت محوطه‌های شناسایی شده در نقشه عملیات مشترک زمینی



تصویر ۱. موقعیت محدوده بررسی نسبت به نواحی همجوار و محوطه‌های مهم عصر مفرغ در جنوب شرقی ایران

سن پلیو-پله ایستوسن (حدود ۵ تا ۲ میلیون سال پیش) است که به ویژه در نواحی ساحلی با پادگانه های دریایی کواترنری پوشیده شده است. مکران شامل کوه‌های خاور-باختری است که از سواحل دریای عمان (مکران) تا فروافتادگی جازموریان ادامه دارد. از حدود ۱۶۰ هزار کیلومتر مربع گستره مکران، حدود ۷۰ هزار کیلومتر مربع آن در ایران و بقیه در پاکستان است (آقائاتی ۱۳۸۳: ۱۱۴ تا ۱۱۶). جازموریان یک دریاچه خشک شده است که در کفه یک شنزار قرار دارد و جزء پست‌ترین نقطه فلات ایران به شمار می آید. وسعت آن حدود ۴۰۰ کیلومتر طول از شمال به جنوب و ۲۵۰ کیلومتر پهنا از شرق به غرب است (چوبک و کیانی ۱۳۸۳: ۳۶).

بخش قلعه گنج در حوضه آبریز جازموریان و میناب واقع شده است. قسمت اصلی این بخش در حوضه آبریز جازموریان و نوار جنوبی و غربی آن در حوضه آبریز میناب قرار دارد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۱۳۸۴: ۲۱۵ و ۲۱۸). بارزترین عارضه‌های زمین‌شناختی این ناحیه دریاچه خشکیده جازموریان و ارتفاعات غربی آن است که به حوزه زمین‌ساختاری مکران تعلق دارند (شکل ۲ و تصویر ۱). مکران نوعی اشتقاق درون‌قاره ای مربوط به دوره های ژوراسیک پسین-کرتاسه پیشین (حدود ۱۷۰ تا ۱۳۰ میلیون سال پیش) در سکوی ایران است. جوان‌ترین رسوب‌های آن ماسه‌سنگ‌های سست و کم‌سیمان به



تصویر ۲. جانمایی گستره مواد فرهنگی بر اساس روش بررسی در تصویر هوایی یک نمونه از محوطه های چنددوره ای، محوطه سمسیلی IV

م تفاوت شکل می دهند. این تمایز به وضوح نشان دهنده تقابل بین ارتفاعات و دشت و همچنین مخروطه افکنه های حد میانی آنها به مثابه عناصر اساسی در نحوه پراکنش محوطه ها است. بخش کوهستانی منطقه بررسی شامل کوه های کم ارتفاع مارز و آورتین است که از جنوب به تدریج به کوه های مرتفع بشاگرد و میناب وصل می شوند. اختلاف ارتفاع بین دو حوزه دشت و ارتفاعات در محدوده بررسی کم است، به طوری که تفاوت های آب و هوایی بین این دو چندان محسوس نیست. پوشش درختی عمده دشت را جنگل های فرسوده متشکل از درختان کهور، گنار و گز تشکیل می دهد. این پوشش در نواحی کوهپایه ای و کوهستانی شامل درختچه های داز، گنار و گز است که با افزایش ارتفاع گونه های پسته و انجیر کوهی نیز به آنها اضافه می شود.

روش بررسی

پژوهش انجام شده در چارچوب یک بررسی منطقه ای پهنانگر (ex-tensive) و با به کارگیری روش های نمونه برداری متناسب با گونه شناسی محوطه ها انجام شد. در مراحل نخست بررسی به منظور دقت در شناسایی محوطه های باستانی از روش بررسی پیمایشی فشرده (intensive) به همراه افراد بومی استفاده می شد، اما در مراحل بعدی به تدریج و پس از آشنا شدن با الگوهای نسبی از محل قرارگیری محوطه ها روش نخست بیشتر به کار گرفته شد.

در تعیین مساحت هر یک از محوطه ها از دامنه و گستره مواد فرهنگی استفاده شد و مرز نهایی هر محوطه با استفاده از سیستم موقعیت یاب جغرافیایی (GPS) از تمام جهات ردیابی و از نواحی اطراف و محوطه های مجاور تفکیک شد. نمونه برداری در محوطه های باستانی با ملاحظه تفاوت های احتمالی ناشی از کارکرد، قدمت و روند تجدید استقرار صورت گرفت. این تفاوت ها

این دریاچه در مرکز یک فرونشست زمین ساختی جوان قرار دارد که بین رشته کوه های جبال بارز در شمال و رشته کوه های بشاگرد در جنوب واقع شده و با رسوبات کواترنری جوان پوشیده شده است. رودها و آبراهه های متعدد دائمی و موقت به این هامون می ریزند که از میان آنها رودخانه های هلیل رود و بمپور اهمیت بیشتری دارند (آقائباتی ۱۳۸۳: ۱۲۴ و ۶۸۵). رودخانه هلیل رود، بزرگترین رودخانه حوضه آبریز جازموریان، از منابع مهم آب های سطحی منطقه است. این رودخانه پس از عبور از دشت های جیرفت و بلوک، دشت های پایین دست منطقه را به دو بخش دشت شرقی «رودبار» و دشت غربی «کهنوج و قلعه گنج» تقسیم می کند. این رودخانه به صورت جریان سیلابی از محدوده های شمال و شمال شرقی قلعه گنج عبور کرده و در انتها به دریاچه جازموریان می ریزد.

رودخانه های دیگر این ناحیه از نوع فصلی که در محدوده بررسی قرار دارند عبارتند از رودخانه های کم سفید یا گریشک، تنگ سرداز، شب کوه و تنگ سمسیلی. منشأ اصلی این رودخانه ها کوه های میناب و بشاگرد است که پس از به هم پیوستن سرشاخه ای آنها در محدوده دهستان های مارز و روستای آورتین، از دشت واقع در بخش مرکزی چاه دادخدا عبور کرده و به سمت تالاب جازموریان سرازیر می شوند.

محدوده بررسی شامل بخش چاه دادخدا است که در مختصات ۴۵° ۵۷' تا ۵۸° ۵۹' طول شرقی و ۲۸° ۲۶' تا ۲۷° ۵۰' عرض شمالی قرار دارد. مساحت این بخش حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع است و با ۵۰/۶٪ مساحت وسیع ترین بخش تابعه شهرستان کهنوج محسوب می شود.

این روزها محدوده بررسی را مرزهای سیاسی امروزی مشخص می کنند، اما این مرزها چون براساس مولفه های سیاسی تنظیم شده اند نه مشخصات جغرافیایی، ناحیه ای را در حکم حوزه ای

قراردادی این محوطه به بیش از ۱۱۷ هکتار می‌رسد. از لحاظ زمین ریخت‌شناسی بخش عمده محوطه‌های این بخش بر بالای مخروط افکنه‌هایی قرار دارند که قانده آنها در مرکز دشت در تلاقی با بستر تالاب جازموریان و هلیل رود است.

۲. ناحیه پست و هموار دشت مرکزی: این ناحیه بخشی از دشت به‌شمار می‌رود که امروزه بخش مرکزی دشت چاه‌دادخدا و بیشتر روستاها و مزارع کشاورزی در آن قرار دارند. این ناحیه از جهت شمال در مجاورت هلیل رود و تالاب جازموریان قرار دارد. حد فاصل بین این ناحیه را با تالاب جازموریان تپه ماهورهایی از شن و ماسه روان تشکیل می‌دهد. در ناحیه یادشده سرعت جریان آبی که از کوهستان به دشت سرازیر می‌شوند به حداقل خود می‌رسد و بستر و مسیر رودهای فصلی به شکل شاخه‌های متعدد ناشی از جابه‌جایی‌های مکرر در طول زمان به چشم می‌آیند. از نظر ارتفاع، پایین‌ترین و بالاترین محوطه‌های شناسایی شده در این ناحیه جغرافیایی در بلندی بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ متر از سطح دریا قرار دارند. تمامی محوطه‌های باستانی شناسایی شده در این ناحیه از نوع تپه‌های باستانی هستند.

۳. نواحی و دره‌های میان کوهی که شامل دهستان‌های رمشک، مارز و آورتین می‌شود. در واقع این نواحی محل پیوستن سرشاخه‌های رودهای فصلی به شمار می‌روند که با عبور از مناطق کوهپایه‌ای و بستر دشت به تالاب جازموریان در شمال سرازیر می‌شوند. از نظر ارتفاعی، پایین‌ترین و بالاترین محوطه‌های شناسایی شده در این ناحیه جغرافیایی از سطح دریا بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند. بر اساس بررسی انجام شده، در حدفاصل نواحی کوهپایه‌ای و دشت مرکزی هیچ‌گونه شواهدی از استقرارهای باستانی پیدا نشد.

گونه شناسی محوطه‌ها

بر اساس ریخت‌شناسی، نوع و شکل محوطه‌های شناسایی شده فصل نخست بررسی و شناسایی قلعه گنج را می‌توان به هشت گونه تقسیم کرد که در ادامه شرح داده می‌شوند:

گونه ۱ (محوطه‌های ترکیبی وسیع): شاخصه برجسته این گونه از محوطه‌ها که منحصراً در مناطق کوهپایه‌های و کوهستانی در کرانه‌های رودهای فصلی به چشم می‌خورند تلفیق عناصر کارکردی گوناگون مانند گورستان و بخش‌های استقراری در یک محوطه واحد است. پیروی از عارضه‌های طبیعی جهت ایجاد فضاهای معماری در این گونه محوطه‌ها باعث پراکندگی و عدم تراکم بقایای سازه‌های معماری و در نتیجه وجود زمین‌های عاری از مواد فرهنگی در حد میانی آنهاست که به صورت یکجا در قالب یک محوطه وسیع به چشم می‌خورند. مساحت این محوطه‌ها بر اساس عرصه پراکندگی بقایای فضاهای معماری سنگ چین تعیین می‌شود که حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۰۰ هکتار وسعت دارد. تقریباً در بیش از نیمی از این گونه محوطه‌ها گورستان‌هایی با ابعاد کوچک (حداکثر نیم هکتار) به صورت منفرد یا چندتایی با فواصل متعدد

عمدتاً با عنایت بر ریخت‌شناسی محوطه و همچنین با توجه به گونه‌های سفال با قدمت متفاوت در بخش‌های گوناگون از یک محوطه است که مبنای مناسبی را برای تفکیک هر محوطه باستانی به بخش‌های گوناگون فراهم می‌آورد. در صورت وجود شاخصه‌های باستان‌شناختی محدوده هر یک از بخش‌های محوطه با دستگاه GPS تعیین و سپس نمونه برداری مواد فرهنگی صورت گرفت. برای مثال، در کرانه یک رود فصلی که شواهدی از یک گورستان عصر مفرغ، دو استقرارگاه دوره‌های مس و سنگ و مفرغ و دو گورستان دوران تاریخی چسبیده به یکدیگر در محدوده‌ای وسیع پیدا شد، به جای استفاده از محوطه‌ها با کدهای متفاوت، به بخش‌های متفاوت کد یا نامی مجزا در قالب و زیرمجموعه محوطه‌ای واحد داده شد (تصویر ۲). بدین سبب، از لحاظ کمیت، تعداد محوطه‌های شناسایی شده به روش اتخاذ شده برای بررسی ارتباط دارد.

محوطه‌های شناسایی شده با دو حرف لاتین GH (حرف نخست "قلعه گنج") و کد سه رقمی ۰۰۱ شروع می‌شود نامگذاری و ثبت شدند. جهت شماره‌گذاری سفال‌ها و دیگر مواد فرهنگی هر محوطه، در صورتی که محوطه به بخش‌های مجزا تفکیک شده بود، پس از دو حرف لاتین و شماره محوطه، شماره یا نام بخش نیز ضمیمه شده است. در صورتی که یک محوطه به طور واحد بررسی شده باشد به کد محوطه اکتفا شده است.

بررسی باستان‌شناختی و جغرافیایی منطقه بررسی

این بررسی به شناسایی ۶۶ محوطه باستانی انجامید. با توجه به موقعیت جغرافیایی که روند شکل‌گیری و نحوه گسترش محوطه‌ها از آن متأثر است بیشتر محوطه‌های باستانی در سه ناحیه متفاوت از بخش چاه دادخدا قرار دارند:

۱. مناطق کوهپایه‌ای: جایی که ورودی تنگه‌ها و دره‌هایی محسوب می‌شود که رودهای فصلی از طریق آنها به دشت سرازیر می‌شود. این ناحیه شامل بخشی می‌شود که تپه ماهورها و تراس‌های صخره‌ای اطراف رودها به تدریج با دشت هم سطح می‌شوند. از نظر ارتفاعی، پایین‌ترین محوطه‌های شناسایی شده در این ناحیه جغرافیایی در ارتفاع ۵۲۰ متری از سطح دریا قرار دارند. در حالی که بلندترین محوطه‌ها تا ارتفاع ۷۸۰ متری از سطح دریا نیز دیده شده است. شاخص عمده محوطه‌ها در این ناحیه جغرافیایی، گسترش و توسعه آنها در امتداد رودهاست که در برخی نمونه‌ها به بیش از سه کیلومتر می‌رسد. لذا به دلیل پیوستگی زیاد بین شواهد معماری که در حاشیه رودهای فصلی پراکنده هستند نمی‌توان حد و مرز دقیقی را برای تفکیک این محوطه‌ها در نظر گرفت. از این جهت برای تسهیل و افزایش دقت در نمونه‌برداری، گاهی از موانع صخره‌ای بین آثار معماری سطحی در حکم مرز قرارداری بین دو محوطه استفاده شده است. از لحاظ وسعت، بزرگترین محوطه‌ها در این ناحیه قرار دارند و وسعت بزرگترین آنها، محوطه نهرندگان III است. پیوستگی این محوطه از محوطه‌های همجوار به دلیل تلغیان‌های رودهای فصلی قطع شده است، اما با توجه به مرزهای

ردیف لاشه سنگ استفاده شده است، در حالی که در دیوارهای کوتاه فقط یک ردیف لاشه سنگ به کار برده شده است (تصویر ۳)؛ ۲. گورستان‌هایی در ابعاد کوچک با معماری مدور: همان طور که یاد شد این حصارهای سنگ چین در کلیه محوطه‌ها دیده می‌شوند (تصویر ۵)؛ ۳. فضاهای معماری از لاشه سنگ به شکل سازه‌های سکوماند یا مصطبه‌ای شکل: در این گونه معماری از یک ردیف لاشه سنگ برای ساخت یک فضای چهارضلعی استفاده شده است و از این رو، به نظر می‌رسد این دیوارها نمی‌توانسته اند از ارتفاع بیشتری برخوردار باشند و کاربردشان فقط برای سکو بوده است (تصویر ۶)؛ ۴. بناهای کلان‌سنگی و واحدهای معماری بزرگ که در برخی از محوطه‌ها به پراکنش بسیار زیاد قطعات سفال در حدود آنها برمی‌خوریم (تصویر ۴)؛ ۵. گورهای سنگچین دوران تاریخی که در مجاور یا تلفیق با مواد فرهنگی دوره‌های قدیمتر به شکل منفرد و یا به همراه یک گورستان دیده می‌شوند.

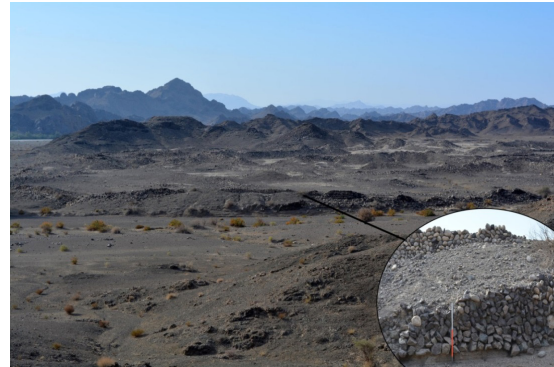
گونه ۲ (گورستان‌های دوران تاریخی ۱): این گونه محوطه‌ها دربرگیرنده گورستان‌های دوران تاریخی با ساختار معماری گورهای پشته سنگی (Cairn burials) هستند که منحصراً در ارتفاعات و نواحی کوهستانی پراکنده‌اند. گورستان‌های دوران تاریخی در دو گونه دیده می‌شوند: بدون ارتباط با محوطه‌های باستانی و در مجاورت محوطه‌های هم‌دوره یا قدیم‌تر. در حالت دوم مواد فرهنگی هم‌دوره گورستان‌ها، شامل بقایای سازه‌های معماری و پراکندگی قطعات سفال به صورت سطحی در محدوده کم‌وسعتی است که احتمالاً با استقرارهای مرتبط با گورستان‌های یادشده ارتباط دارند.

گونه ۳ (تپه‌های باستانی): تپه‌ها منحصراً در نواحی مرکزی دشت قرار دارند و از این جهت برخلاف محوطه‌های واقع در ارتفاعات، نشاندنده گسترش استقرارها به صورت عمودی و متوالی در مکانی واحد هستند. با توجه به مواد فرهنگی سطحی، تپه‌های شناسایی شده، محدوده زمانی هزاره چهارم و سوم ق م دوران تاریخی و اسلامی را در بر می‌گیرند. از این گونه محوطه‌ها هفت مورد شناسایی شد که دو مورد آنها از نوع تپه ماهور طبیعی است که از آن جهت استقرار استفاده شده است و بقیه تپه‌های باستانی هستند که بر اثر استقرار مداوم پدید آمده‌اند.

گونه ۴ (محوطه‌های فلزگری): شاخصه اصلی محوطه‌ها انباشت‌های سرباره‌های مرتبط با کوره‌های استحصال فلز است که در برخی محوطه‌ها با بقایای فضاهای معماری همراهند. بیشترین پراکندگی سرباره‌ها در این محوطه‌ها به بیش از هفت هکتار می‌رسد. از این گونه محوطه‌ها هشت مورد شناسایی شد که عمدتاً بر روی کانسنگ‌های مس در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای قرار دارند.



تصویر ۳. حصارهای سنگچین، عنصر مشترک محوطه‌های نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی



تصویر ۴. نمونه‌ای از واحدهای معماری بزرگ با ساختار سنگچین در یکی از محوطه‌های عصر مفرغ (محوطه میخ لادین)



تصاویر ۵ و ۶. گورستان‌ها و سکوه‌های سنگی، عنصر مشترک معماری که در اکثر محوطه‌های کوهستانی عصر مفرغ دیده می‌شود.

در بخش‌هایی از محوطه پیدا می‌شود. سفال‌های به دست آمده از این محوطه‌ها، به‌ویژه گورستان‌های کوچک آنها، عمدتاً به عصر مفرغ، و در برخی محوطه‌های چند دوره‌ای به دوره مس و سنگ و دوران تاریخی تعلق دارند. فضاهای معماری شناسایی شده از این محوطه‌ها در چهار شکل مشاهده می‌شوند: ۱. بقایای معماری حصارهای سنگ چین که ساختار عمده و بیشترین عرصه محوطه‌ها را تشکیل می‌دهد. این سازه‌ها به دو شکل دیوارهای بلند و کوتاه خشکه‌چین به چشم می‌آیند. در نمونه‌های دیوارهای بلند، ارتفاع و طول دیوارها به دو و پنج متر می‌رسد و در آنها از دو

۱- شاخصه بارز معماری این محوطه‌ها گورهای پشته سنگی است که در دیگر نواحی ایران از آنها با نام گورهای سنگ‌چین، توده‌سنگی و پشته‌سنگی یاد شده است. با توجه به مواد فرهنگی به دست آمده این گورها را به دوره‌های پیش از تاریخی و تاریخی نسبت داده‌اند (خسروزاده ۱۳۸۶؛ شهساری و خالدی ۱۳۹۳: ۱۱).



تصویر ۷. دست افزارهای سنگی محوطه چزکک II (۱۱۱)



تصاویر ۸ و ۹. گزیده دست افزارهای سنگی محوطه گریشک II (۵۸)



تصویر ۱۰. نمونه هایی از دست افزارهای سنگی محوطه سورو b

گونه ۵ (بناهای مذهبی): زیارتگاه‌ها یا قدمگاه‌های دوران اخیر که طی این بررسی دو مورد از آنها شناسایی شد. زیارتگاه گیاهان سبکی کاملاً سنتی با پلان مدور دارد و به شیوه خشکه چین ساخته شده است. در زیارتگاه صولان بنایی به سبک کپره‌های امروزی ثبت شد که در حکم بارگاه این ناحیه به کار می‌رود.

گونه ۶ (قلعه‌ها): دو مورد از این نوع آثار شناسایی شد که بر روی عوارض طبیعی و صخره‌های مسلط بر نواحی پیرامونی احداث شده‌اند. با توجه به آسیب‌های طبیعی، این قلاع شکل و پلان خاصی را نشان نمی‌دهند، اما استفاده از عوارض طبیعی و پیروی از صخره‌ها جهت ساخت دیوارها کاملاً مشهود است. کلات عبدالحسین در بخش مرکزی دهستان رمشک و قلعه متعلق به محوطه اشکوتو I از این گونه محوطه‌ها به شمار می‌روند.

گونه ۷ (سنگ‌نگاره‌ها): سنگ‌نگاره‌های پشت‌گرو در دهستان مارز که در کرانه یکی از رودهای فصلی و گذرگاه‌های ارتباطی قرار دارد تنها گونه شناخته شده از نقوش صخره‌ای در محدوده بررسی است.

گونه ۸ (محوطه‌های باستانی با پراکندگی محدود از مواد فرهنگی): محوطه‌های باستانی کوچک با حداکثر مساحت ۲۰۰ مترمربع که دربرگیرنده شواهد بسیار سطحی و آثار معماری مربوط به یک استقرار یا گورستان تخریب شده هستند. اطلاعات کلی پیرامون محوطه‌های شناسایی شده در جدول ۵ ارائه شده است.

دوره‌های فرهنگی شناسایی شده

از لحاظ گاهنگاری محوطه‌های شناسایی شده دربرگیرنده دوره‌های زمانی پارینه‌سنگی (سه مورد)، مس و سنگ (دوازده مورد)، عصر مفرغ (بیست و هفت مورد)، تاریخی (بیست و نه مورد)، اسلامی (سه مورد) و سده اخیر (دو مورد) هستند.

دوران پارینه‌سنگی

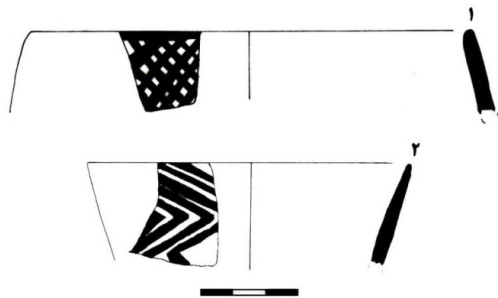
برخلاف مناطق شمال، شمال غربی و فلات مرکزی ایران اطلاعات ما درباره دوران پارینه‌سنگی جنوب شرق ایران به تعداد انگشت شماری از محوطه‌های باز محدود است که طی چند دهه اخیر شناسایی شده‌اند (رفیع فر ۱۳۷۴؛ دهنز لیلین ۱۳۵۳؛ Hume 1976). با توجه به کمبود مدارک از دوران پارینه‌سنگی در جنوب شرق ایران، کشف آثاری از این دوران در بررسی حاضر بسیار حائز اهمیت است. بررسی با هدف شناسایی آثار پارینه‌سنگی، روش‌های متفاوتی را می‌طلبد، اما به دست آمدن آثاری از این دوره در بررسی حاضر نقطه آغازینی در تداوم پژوهش در این زمینه در منطقه بررسی است.

از مجموع آثار شناسایی شده طی بررسی حاضر که با توجه به محدوده پراکنش دست افزارهای سنگی به سه محوطه روباز (open-air site) به وسعت کمتر از نیم هکتار می‌رسند. آثار دو محوطه را در کناره‌های رودخانه کم سفید (گریشک) در مجاور یا میان محوطه‌های جدیدتر را با اطمینان خاطر می‌توان به دوره پارینه

سنگی میانی نسبت داد. بررسی اولیه آثار محوطه چزگک II نشان می دهد که این مجموعه دربرگیرنده دست افزارهای سنگی کاملاً کارشده و محصول نهایی روند کاهشی تولید ابزار هستند که در محدوده پراکنش آنها هیچ شواهدی از دیگر گونه های مرتبط با این روند، مانند سنگ مادر و دور ریزها مشاهده نشد. در میان این ابزارها گونه های خراشنده های جانبی و سوراخ کننده ها دیده می شود. با وجود این که گونه های یادشده از شاخصه های فناوری دوره پارینه سنگی میانی به شمار می روند، اما به دلیل کوچک بودن مجموعه نمی توان در تعلق آنها به این بازه زمانی اظهار نظر قطعی کرد (تصویر ۷).

یافته های سنگی به دست آمده از محوطه گریشک II شامل مجموعه ای گسترده تر از دست افزارهای سنگی شامل انواع سنگ های مادر، تیزه ها و تراشه های روتوش شده، انواع خراشنده ها و ابزارهای سوراخ کننده و همچنین نمونه ای از کوبنده سنگی برای برداشت ابزار است. شناسایی فناوری لوالوا و گونه های شاخص فرهنگ موستری نشان دهنده استقرار کوتاه مدت با شاخصه های فرهنگی پارینه سنگی میانی در منطقه است که تمامی مراحل تولید ابزار در آن صورت می گرفته (تصاویر ۸ و ۹).

مدارک دیگری که از استقرار در منطقه در دوره پارینه سنگی جدید حکایت می کنند گروهی انگشت شمار از محوطه سوو b است. این آثار شامل چند نمونه سنگ مادر، ریز تیغه و برداشته های از نوع تراشه و دور ریز است این آثار مجموعه ای کامل را تشکیل نمی دهند، اما عدم حضور مواد فرهنگی دیگر مانند سفال درحوالی این ابزارها و فاصله بسیار زیاد آنها نسبت به محوطه های همجوار احتمال تعلق این مجموعه را به دوره پارینه سنگی جدید تقویت می کند (تصویر ۱۰).



شکل ۳. طرح نمونه سفال های هزاره پنجم ق م (یحیی ۷)

جدول ۱) مشخصات و گاهنگاری مقایسه ای نمونه سفال های هزاره پنجم ق م (یحیی)

| مقایسه و ملاحظات | توصیف | مردم کشف | تاریخ |
|--|---|----------|-------|
| لمبرگ کارلوفسکی و بیل ۱۳۸۸، ص ۱۱۹، طرح ز | رنگ خمیره قرمز، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی قرمز، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، دست ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 025 | ۱ |
| لمبرگ کارلوفسکی و بیل ۱۳۸۸، ص ۱۱۹، طرح g | رنگ خمیره قرمز، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی قرمز، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، چرخساز؟، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 058 | ۲ |

دوره مس و سنگ (هزاره های پنجم و چهارم ق م)
دانش ما درباره باستان شناسی هزاره های پنجم و چهارم ق م جنوب شرق ایران اندک است. بخش اصلی این اطلاعات بر اساس کاوش های قدیمی در تل ابلیس (Caldwell 1967) و تپه یحیی (لمبرگ-کارلوفسکی و بیل ۱۳۸۸) و کاوش های اخیر در محوطه آباد جیرفت (Vidale and Desset 2013) و تپه دهنو شهداد (اسکندری ۱۳۹۵) است. بر اساس اطلاعات گاهنگاری جدید، در توالی فرهنگی تل ابلیس و تپه یحیی، دوره ابلیس I و II و یحیی V و VI به هزاره پنجم و دوره ابلیس IV به هزاره چهارم ق م تعلق دارند (اسکندری و دیگران ۱۳۹۵ : ۸).

سفال های هزاره های پنجم و چهارم ق م در محدوده بررسی حاضر عمدتاً از گونه های سفالی موسوم به یحیی Va، ابلیس IV یا سفال علی آباد و محوطه آباد I است. از بین آثار شناسایی شده مدارک مربوط به یحیی Va شامل قطعات معدود سفال است که در دو ناحیه از مناطق کوهپایه ای و کوهستانی در کنار مواد فرهنگی ادوار جدیدتر در محوطه های گونه A به دست آمده اند (شکل ۳ و جدول ۱).

سفال یحیی Va در تپه یحیی با شاخصه نقوش مشکی بر زمینه

| | | | |
|---|--|-----|---|
| Caldwell 1967\:\:\: Page 140, Figure23, No. 3 | بدنه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگمایه سیاه، دست ساز، پوشش داخلی غلیظ و پوشش خارجی رقیق، پخت کافی | 033 | 8 |
|---|--|-----|---|

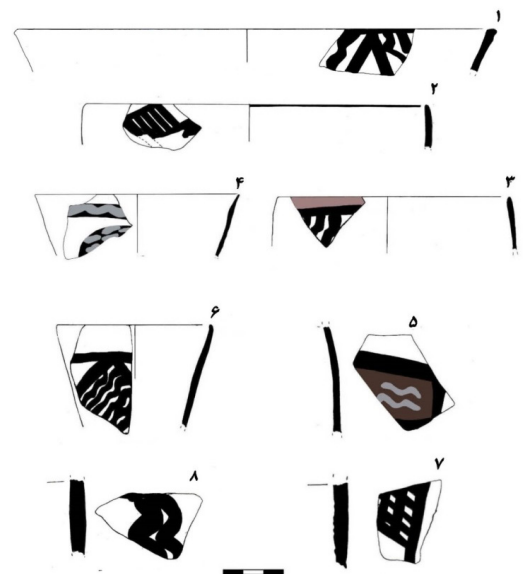
محوطه های عصر مفرغ

به جز معدود آثار احتمالی از تپه های باستانی واقع در دشت، تمامی محوطه های شناسایی شده عصر مفرغ در حاشیه رودهای فصلی در مناطق کوهپایه ای و کوهستانی به صورت افقی گسترش یافته اند. این رودها از کوهپایه های جنوبی جازموریان تا ارتفاعات شمالی خلیج فارس امتداد می یابند و با توجه به این که ادامه این محوطه ها از جهت جنوب محدوده بررسی بیرون است امکان پیگیری دامنه آنها به سمت جنوب وجود نداشت.

از لحاظ ریخت شناسی و احتمالاً کارکرد، هر یک از این محوطه ها را می توان به بخش های مجزای گورستان های کوچک، حصارهای سنگ چین و سازه های کلان سنگی تفکیک کرد. وجود گورستان ها در برخی از محوطه ها با فواصل نزدیک (با کمینه فاصله ۵۰ متر و بیشینه فاصله ۲۰۰ متر) به یکدیگر قرار دارند و همچنین پیوستگی مواد فرهنگی این محوطه که عمدتاً شامل بقایای معماری است، نشاندهنده گسترش افقی این گونه محوطه ها است، چنان که هر یک از کرانه های یک رود فصلی را می توان در قالب یک محوطه واحد قرار داد.

بخش عمده مواد فرهنگی از محوطه های عصر مفرغ شامل قطعات سفالی است که در مجاور گورهای غارت شده عصر مفرغ پراکنده اند و بخش دیگر سفال های به دست آمده از محدوده فضاهای معماری است که می توان آنها را با استقرارهای هم دوره گورستان ها مرتبط دانست. این مواد فرهنگی شامل سفال های هم دوره گورستان ها با سطح زخم و فرسایش یافته، سفال های کار شده یا اشیای شمارشی و همچنین قطعات سفالی به چشم می خورد که در آنها حفره ای جهت

وصالی و استفاده مجدد وجود دارد. نقوش سفال های محوطه های یاد شده اساسی ترین شاخصه به کارگرفته شده در گاهنگاری نسبی آنهاست و از ارتباط فرهنگی این ناحیه با شمال و شرق جازموریان حکایت می کند. این اشتراکات شامل تکرار نقش مایه های عصر مفرغ در سفال های این ناحیه است که در دوره های عصر مفرغ در هر دو تپه یحیی و بمپور و با منحصرأ در یکی از آنها نیز دیده می شود (شکل ۵ و جدول ۳).

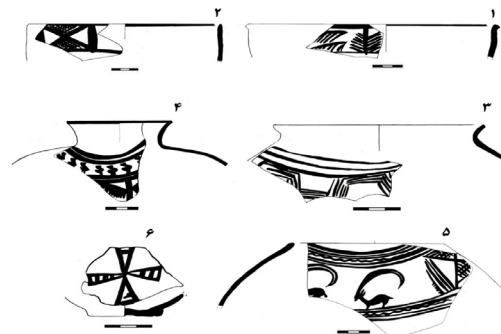


شکل ۴. طرح نمونه سفال های هزاره چهارم ق م

جدول ۲. مشخصات و گاهنگاری مقایسه ای سفال های هزاره چهارم ق م

| شماره طرح | محل کشف | توصیف | مقایسه و ملاحظات |
|-----------|---------|--|---|
| 1 | 014 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ قهوه ای، دست ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Caldwell 1967 : page 140, Figure 23, No. 3 |
| 2 | 065 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، دست ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Caldwell 1967 : page 142, Figure 25, No. 5 |
| 3 | 052 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ قرمز و سیاه، دست ساز، پوشش داخلی غلیظ، پوشش خارجی رقیق، پخت کافی | Caldwell 1967 : page 77, Plate 2, No.3 |
| 4 | 052 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سفید بر زمینه قهوه ای، چرخساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Vidale and Desset 2013 : Page 242, figure 13.8 , Page 243, Figure 13.12 |
| 5 | 052 | بدنه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سفید بر زمینه قرمز، دست ساز، پوشش داخلی غلیظ ، پوشش خارجی رقیق، پخت کافی | Vidale and Desset 2013 : Page 242, figure 13.8 , Page 243, Figure 13.12 |
| 6 | 052 | لبه، رنگ خمیره نخودی، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، دست ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Caldwell 1967 : page 183, Plate 10, No.1 |
| 7 | 065 | بدنه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، دست ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Caldwell 1967 : Page 158, Figure21, No. 4 |

| | | | |
|--|--|-----|---|
| - Lamberg-Karlovsky and Potts, 2001: Page 188, No. B - de Ccardi, 1970: page 317, no. 483, page 304, no. 108, page 304, no. 98, page 298, no: 5, page 302, no.326 | لبه، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی - گیاهی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 004 | 1 |
| - Lamberg-Karlovsky and Potts, 2001: Page 69, No. A - De de Cardi, 1970: page 286, no. 168, page 288, no. 187 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 001 | 2 |
| - de Cardi, 1970: page 280, no. 39, page 291, no. 259, page 294, no. 273 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ قهوه ای، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 020 | 3 |
| - de Cardi 1970: page 278, no. 304, page 285, no. 99 | لبه، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین جانوری (ردیف پرندگان) با رنگ قهوه ای، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 007 | 4 |
| - de Cardi 1970: page 298, no. 22, page 311, no. 387, page 283, no. 92 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین جانوری (ردیف بز کوهی) با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 054 | 5 |
| - de Cardi 1970: page 304, no. 96 | کف، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 020 | 6 |



شکل ۵. طرح گزیده سفال های عصر مفرغ

جدول ۳. مشخصات و گاهنگاری سفال های عصر مفرغ

| مقایسه و ملاحظات | توصیف | محل کشف | شماره طرح |
|--|--|---------|-----------|
| - Lamberg-Karlovsky and Potts, 2001: Page 188, No. B; - de Cardi, 1970: page 317, no: 483, page 307, no: 108, page 304, no: 98, page 298, no: 5, page 302, no:326 | لبه، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی - گیاهی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 004 | 1 |
| - Lamberg-Karlovsky and Potts, 2001: Page 69, NO:A - Decardi, 1970: page 286, no: 168, page 288, no: 187 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 001 | 2 |
| - Decardi, 1970: page 280 no: 39, page 291, no: 259, page 294: no: 273 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ قهوه ای، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 020 | 3 |
| - deCardi 1970: page 278, no: 304, page 285, no: 99 | لبه، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین جانوری (ردیف پرندگان) با رنگ قهوه ای، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 007 | 4 |
| - de Ccardi 1970: page 298, no. 22, page 311, no: 387, page 283, no. 92 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین جانوری (ردیف بز کوهی) با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 054 | 5 |
| - de Ccardi 1970: page 304, no: 96 | کف، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 020 | 6 |

محوطه های دوران تاریخی

بخش عمده اطلاعات باستان‌شناختی در خصوص دوران تاریخی در جنوب شرق ایران بیشتر شامل داده‌های حاصل از بررسی‌های باستان‌شناسی است که بافت لایه نگاشتی و تسلسل زمانی مشخصی ندارند.

تپه یحیی در دشت صوغان افزون بر دارا بودن استقرارهای پیش از تاریخ، حاوی استقرارهای دوران تاریخی در یک بافت لایه‌نگاری است که به نظر کاوشگر دربرگیرنده محدوده زمانی سده پنجم ق م تا دوره ساسانی است (Lamberg-Karlovsky 1970: 6-31). لایه‌های شناخته شده دوران تاریخی در این تپه ممکن است در برگیرنده تمامی گونه‌های سفالی منتسب به این دوران نباشد، اما دست کم ترتیب زمانی سفال‌ها در این محوطه از دیگر محوطه‌های کاوش شده مشخص تر است.

به استثنای چهار مورد از تپه‌های دشت چاه‌دادخدا، بقیه محوطه‌های شناسایی شده دوران تاریخی بررسی قلعه گنج شامل گورستان‌های نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی می‌شوند که در برخی از آنها مدارکی از استقرارهای همزمان نیز دیده می‌شود.

از لحاظ گاهنگاری سفال‌های به‌دست آمده که عمدتاً از گونه‌های شاخص جنوب شرق ایران به‌شمار می‌روند محدوده زمانی

| | | | | |
|---------|---|---|-----|---|
| اشکانی | Lamberg-Karlovsky 1970: 9, Figure 3 مهرآفرین و دیگران، 1391: 18، طرح 4 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی قهوه ای، رنگ پوشش داخلی قرمز، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، چرخ ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 053 | 4 |
| اشکانی | مهرآفرین و موسوی حاجی، 1384: 183، شکل 11 | بدنه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، مزین به نقش کنده شیاری، چرخ ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 047 | 5 |
| هخامنشی | مهرآفرین و دیگران، 1391: 19، طرح 9 | لبه، رنگ خمیره نخودی، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگمایه سیاه، چرخ ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | 024 | 6 |

محوطه های دوران اسلامی

با وجود غنای آثار دوران پیش از تاریخی و تاریخی در محدوده بررسی، کمبود آثار دوران اسلامی بسیار پرش انگیز است و واکاوی و تحلیل این موضوع، پژوهشی جداگانه را می طلبد. از مجموع محوطه های بررسی شده مدارک باستان شناختی دوران اسلامی فقط در سه نقطه جغرافیایی به دست آمد. یک مورد از این محوطه از گونه قلعه های کوهستانی (گونه ۶) است که در بخش مرکزی دهستان رمشک قرار دارد و شواهد باستان شناختی دیگر شامل آثار دو استقرار با مواد سطحی (گونه ۱) است که روی پی تپه های طبیعی در روستاهای کهن صفر و زیارت گیاهان مشاهده شدند.

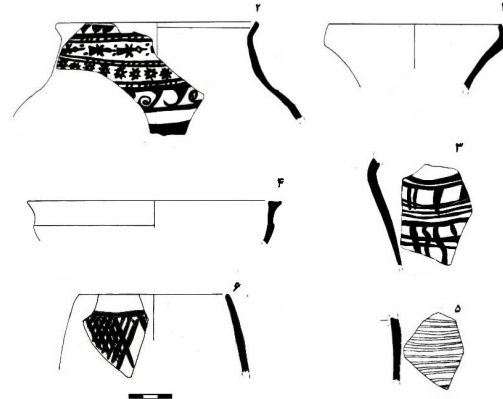
بحث و برآیند

یکی از عارضه های طبیعی که با توجه به تصاویر هوایی ناحیه بررسی به وضوح به چشم می آید مخروط افکنه هایی هستند که از محل باز شدن تنگه ها به سمت دشت تا بخش مرکزی دشت در مجاورت هلیل رود و تالاب جازموریان امتداد می یابند. نگاهی به نحوه پراکندگی محوطه های شناسایی شده با توجه به این عارضه طبیعی نشان می دهد که محوطه های باستانی در دو ناحیه راس و فائده مخروط افکنه ها قرار گرفته اند و در حد میانی این دو ناحیه هیچ گونه اثر فرهنگی شناسایی نشد. به استثنای استقرارگاه های کنونی، چنین وضعیتی را طی تمامی دوران پیش از تاریخی و تاریخی می توان در نظر گرفت. در حال حاضر دو فرض را می توان برای چنین پدیده ای در نظر گرفت: بررسی های پیمایشی انجام شده نشان می دهد که رودهای فصلی در حد میانی یاد شده به صورت چند شاخه درآمده و به سبب جابه جایی های مکرر بستر نمی توان مسیر واحدی را برای آنها در نظر گرفت. بنابراین فرض نخست این است که این نواحی با توجه به خصیصه یاد شده به دلیل خطرپذیری احساس شده از جانب جوامع باستانی مورد استقرار قرار نمی گرفته اند. فرض دوم که احتمال آن ضعیف تر از فرضیه نخست است عدم رویت محوطه های باستانی در این نواحی به سبب فرسایش ناشی از جابه جایی های بستر رودهای فصلی است که به کلی شسته و تخریب شده اند و یا

هخامنشی تا ساسانی را در بر می گیرند.

سفال گونه لوندو که از هر دو محوطه گونه ۲ و ۳ به دست آمده نشان دهنده تعلق بخشی از محوطه ها به دوره های فراهخامنشی تا اشکانی است (شکل ۶، طرح ۲). این گونه سفال اول بار در غرب پاکستان شناسایی و به سده ها سوم تا دوم ق م تاریخگذاری شد (هرینک ۱۳۷۶: ۲۴۴). ارنی هرینک (۱۳۷۶: ۲۹۹) این سفال را متعلق به منطقه جنوب شرق و بلوچستان می داند، اما پژوهش های جدید دامنه این سفال را تا مناطق شرقی ایران نیز نشان می دهد (فرجامی، ۱۳۹۲)

سفال دیگر منتسب به دوران تاریخی گونه نمرد است که در بررسی حاضر فقط طی بررسی تپه ها به دست آمد و می توان آن را جدیدتر از سفال لوندو به شمار آورد. این سفال نشان دهنده تداوم استقرارهای دوران تاریخی این ناحیه تا دوره ساسانی است (رک. شکل ۶، طرح ۳ و جدول ۱).



شکل ۶. طرح گزیده سفال های دوران تاریخی

جدول ۴) مشخصات و کاهنگاری سفال های دوران تاریخی

| شماره طرح | محل کشف | توصیف | مقایسه و ملاحظات | دوره |
|-----------|---------|---|---|------------|
| 1 | 024 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، چرخ ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Lamberg-Karlovsky 1970: 26, Figure 8 | اشکانی |
| 2 | 023 | لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگ مایه سیاه و قرمز، چرخ ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | دانا و دیگران، 1395: 62، تصویر 7 | فراهخامنشی |
| 3 | 062 | بدنه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگ مایه سیاه، دست ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی | Lamberg-Karlovsky 1970: 10, Figure 4 سید سجادی 1370: 43، شکل 9 | ساسانی |

| | | | | | | | |
|-----|----------------------|-----|---------|---------|-----|---------------------------|---|
| 012 | دودهنه ای | 1 | 3001370 | 609084 | 660 | 60هکتار | هزاره چهارم ق م و هزاره سوم ق م |
| 013 | کهنکان (Kahnakān) | 8 | 3023298 | 626549 | 362 | 1600 مترمربع | اسلامی |
| 014 | تمب مزرعه | 3 | 3014421 | 629408 | 384 | 1/58 هکتار | هزاره چهارم ق م، هزاره سوم ق م و دوران تاریخی |
| 015 | کلات دارکشتک | 3 | 3011848 | 632174 | 392 | 12/1 هکتار | دوران تاریخی |
| 016 | گزنک I (Gazakon I) | 8 | 2995359 | 627958 | 627 | | هزاره سوم ق م |
| 017 | گزنک II | 8 | 2994874 | 627514 | 627 | | هزاره سوم ق م |
| 018 | سرداز I (Sardāz I) | 1 | 2990837 | 6282239 | 709 | 2 هکتار | هزاره سوم ق م |
| 019 | سرداز II | 1 | 2989830 | 627664 | 726 | 43 هکتار | دوران تاریخی |
| 020 | سرداز III | 1 | 2989049 | 627117 | 768 | 17/14 هکتار | هزاره سوم ق م |
| 021 | بن چاه | 8 | 2994462 | 616156 | 789 | 0/05 هکتار | هزاره سوم ق م |
| 022 | سورو (Soro) | 8 | 2995976 | 614529 | 774 | | پارینه سنگی جدید و نوسنگی؟ |
| 023 | تپه بلال داوران | 3 | 3012495 | 633728 | 395 | 0/11 هکتار | دوران تاریخی |
| 024 | سمسیلی I (Somsili I) | 1 | 2982647 | 644149 | 685 | 3/99 هکتار (بخش استقراری) | دوران تاریخی |
| 025 | سمسیلی II | 1 | 2981972 | 643625 | 696 | 7 هکتار | یحیی Va و دوران تاریخی |
| 026 | سمسیلی III | 1 | 2982181 | 644381 | 685 | | هزاره سوم ق م |
| 027 | سمسیلی IV | 1 | 2982898 | 645514 | 673 | 21/4 هکتار | هزاره سوم ق م و دوران تاریخی |
| 028 | سمسیلی V | 1 | 2983629 | 646277 | 728 | 1/3 هکتار | دوران تاریخی |
| 029 | سمسیلی VI | 1 | 2984041 | 646685 | 661 | 21/6 هکتار | هزاره سوم ق م |
| 030 | سمسیلی VII | 1 | 2984980 | 645600 | 665 | 20/71 هکتار | هزاره سوم ق م و تاریخی |
| 031 | نهرندگان I | 1 | 2990035 | 646967 | 593 | 172 هکتار | هزاره سوم ق م و تاریخی |
| 032 | نهرندگان II | 1 | 2987170 | 647974 | 618 | 5/64 هکتار | هزاره چهارم ق م و هزاره سوم ق م |
| 033 | نهرندگان III | 1 | 2986649 | 648069 | 618 | 117 هکتار | هزاره سوم ق م |
| 034 | کنگرو (Kangaro) | 2 | 2980557 | 662171 | 649 | 55/77 هکتار | تاریخی |
| 035 | گون چون (Govanchon) | 4 | 2978712 | 667433 | 672 | 0/29 هکتار | نامشخص |
| 036 | کلات عبدالحسین | 6 | 2969356 | 679533 | 726 | 1/36 هکتار | اسلامی و سده اخیر |
| 037 | بندجلال I | 8 | 2970133 | 679098 | 708 | 0/21 هکتار | هزاره سوم ق م |
| 038 | روگارون | 4 | 2969826 | 678979 | 709 | 0/04 هکتار | نامشخص |
| 039 | بندجلال II | 2 | 2970090 | 679310 | 702 | | تاریخی |
| 040 | تپه رمشک | 2 | 2968708 | 679124 | 689 | 0/17 هکتار | تاریخی |
| 041 | اشکوتوبه I | 8/6 | 2958493 | 685312 | 813 | 6/68 هکتار | تاریخی |
| 042 | اشکوتوبه II | 2 | 2958848 | 684201 | 832 | | تاریخی |
| 043 | کله گون (Kaleh gawn) | 4 | 2965114 | 679638 | 768 | | نامشخص |
| 044 | هور کنگرو (kangaroo) | 8 | 2989335 | 660926 | 543 | | تاریخی |
| 045 | هیرکن I (Hirkon I) | 2 | 2970404 | 680489 | 711 | | تاریخی |

بارسوبات پوشانده و محو شده اند.

گستره زیاد و پیوستگی محوطه های عصر مفرغ در کرانه های رود های فصلی که از کوهپایه های شمالی جازموریان تا ارتفاعات شمالی خلیج فارس امتداد می یابند می تواند بیانگر اهمیت نقش این منطقه به مثابه پل ارتباطی بین سواحل خلیج فارس با دیگر فرهنگ های مجاور در حوضه جازموریان باشد.

بررسی های باستان شناختی در ناحیه سردشت بشاگرد در ارتفاعات شمالی کرانه های خلیج فارس (تصویر ۱) از وجود محوطه های عصر مفرغ در نزدیکترین نواحی به محدوده بررسی حاضر حکایت می کند (رک پودات، ۱۳۹۶).

طی بررسی یافته های سطحی محوطه های هزاره سوم دهستان سردشت، پیوندهای فرهنگی این ناحیه با حوزه هلیل رود و جازموریان با توجه به سفال و پراکندگی محوطه ها تبیین شده است (پودات، ۱۳۸۹). از این جهت پژوهش یاد شده در کنار نتایج بررسی حاضر، نقش کلیدی تنگه ها و کرانه رود های فصلی را در حکم پل ارتباطی در پیوندهای فرهنگی و حتی مبادلات بازرگانی نواحی ساحلی خلیج فارس با حوضه جازموریان و هلیل رود در طول هزاره سوم ق م مطرح می نماید.

گونه شناسی و گاهنگاری محوطه های شناسایی شده در بررسی حاضر با ملاحظه کمیت و گستره مواد فرهنگی حاکی از مستعد بودن منطقه مورد بررسی جهت استقرار های دوران تاریخی و احتمالاً شهر های هزاره سوم در کرانه های رود های فصلی است.

جدول ۵. اطلاعات کلی درباره محوطه های شناسایی شده

| ردیف | نام محوطه | عمق محوطه (م) | عرض شمالی | طول شرقی | مساحت (م ²) | دوره پیشنهادی |
|------|----------------------------|---------------|-----------|----------|-------------------------|--|
| 001 | چاه دادک I (Chahdaddock I) | 1 | 3006348 | 612624 | 594 | یحیی V، هزاره چهارم ق م و هزاره سوم ق م |
| 002 | چاه دادک II | 8 | 3010492 | 611647 | 529 | هزاره چهارم ق م |
| 003 | کل گرک (Kalgork) | 4 | 3006431 | 607588 | 662 | نامشخص |
| 004 | چاه دادک III | 1 | 3011294 | 614154 | 521 | هزاره سوم ق م |
| 005 | گزهیر I (Gazhir I) | 1 | 3009771 | 614400 | 542 | هزاره سوم ق م |
| 006 | گزهیر II | 1 | 3010732 | 615233 | 534 | هزاره سوم ق م |
| 007 | تنگ گرشک (Gerishack) | 1 | 3005364 | 613682 | 597 | هزاره سوم ق م |
| 008 | کلاتک (Kalātack) | 1 | 3007682 | 615649 | 564 | هزاره سوم ق م |
| 009 | میخ لادین (Mikhlsdin) | 1 | 3004670 | 611424 | 610 | هزاره سوم ق م |
| 010 | چزگک I (Chezgack I) | 1 | 3002718 | 610802 | 635 | هزاره سوم ق م |
| 011 | چزگک II | 1 | 3002996 | 609493 | 637 | پارینه سنگی، هزاره چهارم ق م و هزاره سوم ق م |

| | | | | | | | |
|-----|-----------------------|-------|---------|--------|------|-------------------------|---|
| 046 | هیرکن II | 4 | 2970631 | 680161 | 687 | 0/15 هکتار | نامشخص |
| 047 | چاهان | (8)2 | 2954604 | 685516 | 897 | 26/6 هکتار بخش استقراری | تاریخی |
| 048 | قدمگاه پیرکرکان | 5 | 3009429 | 653077 | 402 | | سده اخیر |
| 049 | کنارگاهون I | (8)2 | 2969918 | 666252 | 816 | | تاریخی |
| 050 | کنارگاهون II | 4 | 2970868 | 666089 | 816 | 0/01 هکتار | نامشخص |
| 051 | کنارگاهون III | 4 | 2971212 | 665451 | 830 | 0/41 هکتار | تاریخی؟ |
| 052 | تپه توریگ صولان | 3 | 3005038 | 655891 | 425 | 1/52 هکتار | هزاره چهارم ق م |
| 053 | پیمه جون (Peimechon) | 1 | 3001916 | 601283 | 740 | 6/61 هکتار | تاریخی |
| 054 | جتو I (Jato I) | 1 | 3001644 | 603861 | 720 | 10/7 هکتار | هزاره سوم ق م و تاریخی |
| 055 | جتو II | 1 | 3001461 | 604406 | 713 | 1/73 هکتار | هزاره چهارم ق م و هزاره سوم ق م |
| 056 | مامانک (Māmanak) | 8 | 2988485 | 603646 | 834 | 0/44 هکتار | تاریخی |
| 057 | گریشک I (Gerishack I) | 1 | 2995381 | 604963 | 724 | 1/76 هکتار | هزاره سوم ق م و تاریخی |
| 058 | گریشک II | 1 | 2994919 | 604368 | 744 | 31/6 هکتار | پارینه سنگی میان، یخی، Va و هزاره چهارم ق م |
| 059 | گریشک III | 1 | 2996207 | 605239 | 731 | 15/4 هکتار | تاریخی |
| 060 | درکلات (Darkalāt) | 2 و 8 | 2977191 | 608149 | 1016 | 0/82 هکتار | تاریخی |
| 061 | پشت گرو (Poshtgaro) | 6 | 2982558 | 612381 | 969 | 0/86 هکتار | تاریخی |
| 062 | تم گران (Tom-e Garan) | 3 | 3026023 | 604733 | 414 | 4/37 هکتار | تاریخی |
| 063 | تپه کهن سفر | 3 | 2977755 | 675799 | 659 | 1 هکتار | اسلامی |
| 064 | گیاهان I | 3 | 2979523 | 675707 | 627 | 0/07 هکتار | اسلامی |
| 065 | گیاهان II | 7 | 2979646 | 676407 | 627 | 0/43 هکتار | هزاره چهارم ق م |
| 066 | زیارتگاه گیاهان | 5 | 2978541 | 673310 | 651 | | سده اخیر |

فهرست منابع

الف) فارسی

آبیان، داوود، ۱۳۸۳. گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه هلیل‌رود (جیرفت و عنبرآباد). مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

آقانیاتی، سیدعلی، ۱۳۸۳. زمین‌شناسی ایران. تهران: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.

اسکندری، نصیر، ۱۳۹۵. "چهاردهمین فصل پژوهش‌های باستان‌شناسی دشت لوت: نتایج کاوش دو تپه پیش از تاریخی دهنو و دهنو شرقی دشت شهداد". مجموعه مقالات جشن نامه استاد میرعابدین کابلی، به کوشش مرتضی حساری، تهران پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص ۷۵-۹۵.

نصیر اسکندری، حکمت... ملاصالحی، حسن فاضلی نشلی، "استقرارهای پیش از تاریخ دشت لوت، جنوب شرق ایران"، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱-۱۵

پودات، سمیه، ۱۳۸۹. بررسی یافته‌های سطحی محوطه‌های هزاره ۳ ق.م. دهستان سردشت شهرستان بشاگرد. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (MA)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و

علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، منتشر نشده

۱۳۹۵، "تختین فصل بررسی‌های باستان‌شناختی دهستان سردشت شهرستان بشاگرد (بشاگرد)"، گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش حمیده چوبک، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، صص ۷۰-۷۷

توفیقیان، حسین، ۱۳۸۲. گزارش فصل اول بررسی و شناسایی سرشاخه‌های هلیل‌رود، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

۱۳۸۳ الف، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی سرشاخه‌های هلیل‌رود، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

۱۳۸۴ ب، گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی سرشاخه‌های هلیل‌رود، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

چوبک، حمیده، ۱۳۸۳، تسلسل فرهنگی جازموریان شهر قدیم جیرفت در دوره اسامی، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، منتشرنشده

چوبک، حمیده و محمدیوسف کیانی، ۱۳۸۳، "حوزه جغرافیایی-فرهنگی جازموریان در بررسی‌های باستان‌شناسی ایران. فصلنامه مدرس علوم انسانی ۳۱: ۳۵ تا ۶۷.

خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۶، "مروری بر گورهای سنگ‌چین جنوب شرق ایران"، نامه پژوهشگاه، شماره‌های ۲۰ و ۲۱، صص ۱۰۴-۸۹.

دانشی، علی، ۱۳۸۸، گزارش بررسی و شناسایی شهرستان جیرفت، حوضه ساردوبه (فصل دوم)، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

۱۳۹۱، گزارش بررسی و شناسایی شهرستان رودبار جنوب (فصل دوم)، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

دهنزلین، زان، ۱۳۵۳، "صنایع سنگی ناحیه رود فهرج (لوت جنوبی)"، ترجمه احمد معتمد، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۱، صص ۴۰-۴۴.

دانا، محسن، علیرضا نصرآبادی، و هادی شریفیان، "قلعه نهبندان: شواهدی از دوره اشکانی در شرق ایران"، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۳۷-۵۶

دهقان، ولی‌الله، ۱۳۸۲، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان کهنوج، بخش رودبار، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

رفیع فر، جلال‌الدین، ۱۳۷۴، "کوهبنان در پیش از تاریخ"، مجموعه مقالات دومین سمینار کرمان‌شناسی، به کوشش محمدعلی گلاب زاده، تهران: مرکز کرمان‌شناسی، صص ۳۴۲-۳۵۳.

ریاحیان: رضا، بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان کهنوج و فاریاب، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).

سید سجادی، سید منصور، "معرفی دو گونه سفال جدید از منطقه کرمان"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۰، صص ۳۸-۵۱

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان: شهرستان کهنوج، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

شهسواری، میثم و محمد دوماری، ۱۳۹۰، گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی سرشاخه‌های هلیل‌رود: منطقه قدردخانه (اربر)، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال سوم و چهارم، شماره ششم و هفتم، صص ۹۳-۷۲.

و سهراب خالدی، ۱۳۹۳، "بررسی باستان‌شناسی سرشاخه‌های هلیل‌رود، منطقه قدردخانه، محوطه‌های متعلق به دوره مس و سنگ: استقرارها

میراث فرهنگی.

ب) غیرفارسی

- Caldwell, J.R., 1967, *Investigation at Tall-i Iblis*, Illinois State Museum, Preliminary Reports, No.9, Springfield.
- De Cardi, B, 1970, *Excavation at Bampur: A Third Millennium Settlement in Persian Baluchestan* 1966, Anthropological Paper of American Museum of Natural History, Vol. 51, No. 3, New York.
- Hume, G, V, 1976, *The Ladizian: An Industry of the Asian Chopper-Chopping Tool Complex in Iranian Baluchistan*, Philadelphia: Dorance & Company.
- Lamberg-Karlovsky, C.C., 1970, *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, American School of Prehistoric Research, Bulletin 27, Peabody Museum, Harvard University
- _____ Potts D.T, 2001, *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1975: The Third Millennium BCE Occupation*, Cambridge, MA: Peabody Museum, Harvard University,
- Vidale, M, and Desset, F., 2013 "Mahtoutabad I (Konar Sandal South, Jiroft): Preliminary Evidence of Occupation of Halil Road site in the early fourth Millennium BC", in *Ancient Iran and its Neighbors*, edited by Cameron A Petrie, Oxford Oxbow Books. pp 233- 251

و معماری گورها"، مجله پژوهش های باستان شناسی مدرس، سال پنجم، شماره نهم، صص ۱۶-۱.

لمبرگ کارلوفسکی، سی.سی.، بیل وایت، توماس، ۱۳۸۸، آغاز و شکوفایی فرهنگ و تمدن در جنوب شرقی ایران، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، اداره کل روابط عمومی، امور فرهنگی و اجتماعی - اداره برنامه ریزی و نشر،

رضا مهرآفرین، فاطمه علیزاده و روح ... شیرازی، ۱۳۹۱، " سفال مکران در دوره اشکانی و همگونی های آن با مناطق همجوار"، مجله نامه باستان شناسی، شماره ۳، صص ۲۴-۷

علیپادی سلیمانی، نادر، ۱۳۸۳، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان جیرفت-حوضه ساردوئیه (فصل نخست)، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشر نشده).

_____ ۱۳۸۵، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان جیرفت-حوضه اسفندقه، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشر نشده).

مرتضایی، محمد، انجم روز، سلمان، ۱۳۹۶، گزارش نهایی بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان قلعه گنج (بخش چاه دادخدا)، آرشیو پژوهشکده باستان شناسی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور

فرجامی، محمد، ۱۳۹۲، "گسترش سفال لوندو در محدوده خراسان جنوبی" مجموعه مقالات نخستین همایش ملی باستان شناسی ایران، به کوشش حسن هاشمی زرج آباد، کتاب الکترونیک

هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال اشکانی، ترجمه حمیده چوبک تهران: انتشارات سازمان